

به نام خدا

معنی لغات درس فرمانده دلها

لغت	معنی	لغت	معنی
فرمانده	فردی که به گروهی ریاست می کند	خردشان کنیم	شکستشان دهیم
دل	قلب - مرکز احساسات و عواطف	وصف نا پذیر	غیر قابل توصیف - وصف نشدنی
جبهه	خط تماس بین دو نیروی مهاجم	درنگ	صبر - تأمل
مسئولیت	سرپرستی یک کار مهم - بر عهده داشتن یک وظیفه	هم رزم	دو یا چند نفر که در کنار هم با دشمن می جنگند
مانع شدن	جلوگیری کردن	نفوذ	وارد شدن
جاری	آن چه جریان دارد	گردان	گروهی نظامی با تعداد مشخص
اعتقاد	باور - ایمان - عقیده	اراده کرد	تصمیم گرفت
رزمندگان	جنگجویان	گذرگاه	محل عبور - جای گذر
دعا	درخواست حاجت از درگاه خدا - نیایش	سقا	کسی که به تشنگان آب می دهد
محتاج	نیازمند	پیک	نامه رسان
مظلوم	کسی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته - کسی که به او ظلم می شود	تازه نفس	کسانی که بعد از استراحت با انرژی می شوند
متجاوز	ظالم - کسی که شهر یا کشور کسی بدون اجازه وارد شود	ترجیح دادن	برگزیدن - به کسی یا چیزی برتری دادن
اشغال شدن	به تصرف و تسخیر درآمدن	مهلکه	جای هلاک شدن - مکان خطر ناک
تیپ	یک گروه	بالگرد	هلی کوپتر
محور	در این درس به معنی مسیر	نظاره می کرد	نگاه می کرد - تماشا می کرد
دژ	قلعه - حصار (محوطه ای که دور تا دورش دیوار می کشند تا کسی نتواند به راحتی وارد آن شود)	مسجد جامع	بزرگترین و مهمترین مسجد شهر که مردم در آن جمع می شوند
تسخیر ناپذیر	مکان یا چیزی که به راحتی نتوان آنرا بدست آورد	آتشبار	وسایلی که به وسیله آن آتش به سوی دشمن می اندازند
خط	در زمان جنگ منظور از خط همان مرز بین رزمندگان ایران و ارتش عراق بود		